خبر کوتاه

رشد ۳۱ درصدی سپرده‌های مردم در بانک‌ها

ایسنا: «بانک‌ها در جذب سپرده‌ها، اعطای تسهیلات و جهت‌گیری صحیح خود برای تقویت بخش خصوصی عملکرد مثبت و خوبی تا پایان آذرماه امسال داشته‌اند.» سیدحمید پورمحمدی معاون امور بانکی، بیمه‌ای و شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی یکی از تاثیرگذارترین بخش‌ها برای تحقق رشد هشت درصد در قالب قانون برنامه چهارم توسعه را بانک‌ها دانست. به گفته او بانک‌ها با تجهیز منابع و جذب سپرده‌های مردمی آنها را در جهت تولید و اشتغال سوق می‌دهند. وی تاکید کرد: «در پایان سال ۱۳۷۹ مانده سپرده‌های مردمی نزد بانک‌ها ۲۵۰ هزار میلیارد ریال بوده که در پایان سال ۸۲ این رقم به ۵۶۰ هزار میلیارد ریال رسیده و در پایان آذرماه سال جاری این رقم به ۶۲۶ هزار میلیارد ریال رسیده است.» او با بیان اینکه در چهار سال اول برنامه به طور متوسط بانک‌ها در جذب سپرده‌های مردمی حدوداً سالیانه ۳۱ درصد رشد داشته‌اند، خاطرنشان کرد: «۲۲ درصد سهم این سپرده‌ها متعلق به سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و حدود ۱۰ درصد سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، ۲۳ درصد سهم سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و ۲۵ درصد سرمایه‌گذاری بلندمدت و سایر سپرده‌ها حدود ۲۰ درصد از کل سپرده‌ها را تشکیل می‌دهد، جمع آنها ۶۲۶ هزار میلیارد ریال است که مانده سپرده‌های مردم در نزد بانک‌ها در پایان آذرماه ۸۳ به شمار می‌رود.» پورمحمدی تصریح کرد: «بانک‌ها این سپرده‌ها را در جهت تامین نیازهای مالی بخش‌های مختلف تولیدی و ایجاد اشتغال و تولید به بخش‌های مختلف اختصاص می‌دهند. در پایان سال ۷۹ مانده تسهیلات اعطایی شبکه بانکی کشور به بخش‌های مختلف حدود ۱۸۰ هزار میلیارد ریال بود که در پایان سال ۸۲ به ۴۶ هزار میلیارد ریال رسید که به طور متوسط سالیانه ۳۶ درصد رشد داشت به طوری که این رقم در پایان آذرماه سال جاری به ۵۵۱ هزار میلیارد ریال رسیده است.» وی عملکرد بانک‌ها را در جذب سپرده‌ها و اعطای تسهیلات موفق دانست و اظهار کرد: «از مبلغ ۵۵۱ هزار میلیارد ریال مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها در آذرماه سال جاری ۷۶ درصد ۴۱۷ هزار میلیارد ریال صرفاً به بخش‌های خصوصی داده شد. این امر جهت‌گیری صحیح بانک‌ها را نشان می‌دهد که به جای اعطای تسهیلات به بخش‌های دولتی بیشتر به سمت بخش‌های خصوصی جهت‌گیری دارند.»

برخورد با خلبان سانحه هوایی مهرآباد

مهر: سرپرست سازمان هواپیمایی کشوری درباره سانحه هوایی در فرودگاه مهرآباد گفت: در صورتی که FBR هواپیما (ثبت نوار عملیات پرواز) و CBR (نوار مکالمات) باز شود و پس از شنیدن مکالمات مشخص شود که این سانحه به دلیل سهل‌انگاری خلبان روی داده است، قطعاً با آن خلبان برخورد شدید خواهد شد. نورالله رضایی نیارکی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی «مهر» افزود: احتمال این که در این سانحه نیز اشکالات فنی روی داده باشد نیز وجود دارد. وی تصریح کرد: به هر حال پس از بررسی‌های معاونت استاندارد پرواز سازمان هواپیمایی کشوری، نتایج آن به مطبوعات اعلام می‌شود. سرپرست سازمان هواپیمایی کشوری گفت: این سانحه هیچ تلفاتی نداشته و فقط به موتور هواپیما آسیب وارد شده است.

اداره بیمه‌ها براساس اصول بازرگانی

ایسنا: «امسال صنعت بیمه در ایران ۳۹ درصد رشد داشت که ۹ درصد این رشد مربوط به شرکت‌های خصوصی بوده و ۳۰ درصد بقیه آن مربوط به شرکت‌های بیمه دولتی می‌شود.» دکتر عبدالناصر همتی ـ رئیس کل بیمه مرکزی – در مراسم آغاز به کار بیمه خصوصی درباره خصوصی‌سازی بیمه در کشور اظهار کرد: «واقعیت امر این است که در تمام دنیا بیمه از سوی بخش خصوصی اداره می‌شود، زیرا این امر باعث افزایش کارایی و بازدهی این شرکت‌ها و کاهش هزینه‌های آن می‌شود.» همتی توضیح داد: «تمام تلاش ما در برنامه سوم توسعه این بود که تصدی امر بیمه به بخش خصوصی واگذار شود و با تلاش بسیار این کار انجام شد، اما حفظ و هدایت صحیح این دستاورد بسیار دشوار است زیرا عده‌ای تلاش می‌کنند در طرح‌هایی که به بیمه مربوط نمی‌شود، برنامه‌هایی در آن بگنجانند، اما باید توجه داشت بیمه یک واسطه مالی است و در تمام دنیا براساس اصول بازرگانی اداره می‌شود.» رئیس کل بیمه مرکزی درباره نظارت بیمه مرکزی بر بخش خصوصی توضیح داد: «ما باید در بعضی زمینه‌ها در کار بیمه‌های خصوصی نظارت کنیم چون هنوز اطلاعات کافی و کامل درباره صلاحیت‌های فنی و تخصصی شرکت‌های خصوصی بیمه در دست نداریم به این ترتیب اجرای این مقررات به نفع سازمان‌های بیمه است.» شرکت بیمه دی گفت: «هفت هیات موسس بنیان‌گذار شرکت بیمه بودند که عبارتند از شرکت سرمایه‌گذاری شاهد، شرکت سرمایه‌گذاری دی، شرکت سرمایه‌گذاری البرز، شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی کوثر، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنایع و معادن کوثر همچنین شرکت‌های سرمایه‌گذاری توسعه صنایع غذایی، نماد کوثر و صنایع برق و الکترونیک کوثر.» وی ادامه داد: «به طور کلی ۱۲ شرکت سرمایه‌گذاری سهام شرکت بیمه دی را خریداری و حدود دو هزار سهامدار جزء نیز در این امر مشارکت کردند.» مدیرعامل شرکت بیمه دی اظهار کرد: «سرمایه این شرکت حدود ۲۰ میلیارد تومان است و این شرکت قصد دارد از بخش نرم‌افزاری و خصوصی برای توسعه بیمه دی استفاده کند.»

جهت‌گیری دولت در حوزه رفاه و تامین اجتماعی

توسعه به مثابه آزادی

دکتر وحید محمودی

بخش اول

چشم‌انداز ۲۰ ساله اقدام مثبتی بود که در ایران انجام شد. یک اقتصاد در بُعد ملی خود برای دستیابی به اهدافش می‌بایست رسالت و هدف مشخص و تعریف شده‌ای داشته باشد. به تعبیر مرحوم دکتر حسین عظیمی که پیشنهاد تدوین چشم‌انداز را به دولت داد و براساس توصیه اولیه ایشان بود که چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه کشور تدوین شد، نکته مهم آن است که در درجه اول بدانیم «چه نوع توسعه‌ای را می‌خواهیم و به کجا می‌خواهیم برسیم» سپس با مشخص بودن چشم‌انداز و هدف، رویکردها، استراتژی‌ها، نهادها، ساختارها و فرآیندهای خاص هدف موردنظر را مشخص کنیم. آنچه که از چشم‌انداز مراد نظر است این است که ما توسعه‌ای را می‌خواهیم که توام با عدالت اجتماعی باشد، توسعه‌ای را می‌خواهیم که یک نگاه رحمانی و اخلاقی با آن همراه باشد. در عین حال ما می‌بایست از نظر مبانی علمی و فنی تولید هم به‌روز شویم، به عبارتی به‌دنبال یک جامعه اخلاقی با مبانی علمی و فنی تولید مدرن هستیم که انتظار کمی هم نیست. برای دستیابی به این چشم‌انداز در وهله اول باید ببینیم که در کجا قرار داریم، چالش‌های اقتصادی ما چیست و از همه مهمتر نظریه‌ها و رویکردهای توسعه چه کمکی می‌توانند به ما بکنند، نگاه‌های جدید به توسعه را بشناسیم و اینکه چگونه می‌توانیم برای رسیدن به چشم‌انداز از این دیدگاه‌ها کمک بگیریم. خوشبختانه در رویکردهای نوین به توسعه نوعی همگرایی در دیدگاه‌ها و نظریه‌های اندیشمندان توسعه مشاهده می‌شود. اگر به نظریه‌های توسعه نگاهی داشته باشیم مشاهده می‌کنیم که روند دیدگاه‌های اندیشمندان توسعه به تدریج به یک همگرایی می‌رسد. در حال حاضر دیدگاه‌های غالب و نوینی را در عرصه توسعه شاهد هستیم. یکی از آخرین دیدگاه‌هایی که در عرصه توسعه مطرح شده رویکردهای نوکلاسیکی است که به «اجماع واشینگتنی» موسوم شده و در واقع همان سیاست‌های تعدیل اقتصادی است که ابتدا کشورهای اروپایی و آمریکا برای رفع چالش‌های اقتصادی خود در پیش گرفتند و بعد به علت توفیقات نسبی این سیاست توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای کشورهای در حال گذار تجویز شد. نهایتاً سیاست‌های تعدیل نتوانست انتظاراتی را که دولتمردان و مردم از تصمیم‌گیری و جهت‌گیری‌های این بسته سیاستی داشتند برآورده کند و حاصل آن در کشورهای در حال گذار افزایش فقر، نابرابری و شکاف طبقاتی بود. سپس اندیشمندان توسعه که در راس آنها جوزف استیگلیتز و آمارتیا سن برندگان جایزه نوبل قرار داشتند به نقد نگاه‌های اجماع واشینگتنی پرداختند که حاصل مطالعات آنها به «اجماع پست‌واشینگتنی» موسوم شد.

برای توضیح این نظر لازم است نگاهی متدولوژیک به بحث داشته باشیم. اساساً در دانش‌شناسی و روش‌شناسی اقتصاد باید به این نکته قایل باشیم که می‌بایست الزامی بین راه و هدف وجود داشته باشد. به‌عبارتی اگر می‌خواهیم به چشم‌انداز مشخصی از توسعه نایل شویم، ارتباط بین راه و هدف باید مشهود باشد یعنی جوهرهای هدف باید در راه مشهود باشد. لذا اقتصاددانان پست‌واشینگتنی معتقدند که نمی‌توان صرفاً با دیدگاه‌های رشدگرایی که توجهی به نیروی انسانی، منزلت انسانی و نیز توجهی به مشارکت مردم ندارد به اهداف توسعه نائل شویم. آنها معتقدند که دیدگاه‌های گذشته حالتی انتزاعی و منفک را بین راه و هدف قائل می‌شدند و نهایتاً این وعده را می‌دادند که اگر ما با رویکردهای خشن و رشدگرا به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کنیم در نهایت میوه‌های توسعه سرریز خواهد شد و همه افراد و آحاد جامعه از مواهب رشد بهره‌مند خواهند شد، اما تجربه چنین چیزی را نشان نداد و بنابراین دیدگاه‌های جدید به این نکته اشاره دارند که اگر خواهان توسعه توام با اخلاق و برقراری عدالت اجتماعی هستیم برای تدوین هر استراتژی و برنامه توسعه‌ای باید گام‌های ما ناظر بر آثار هدف باشد. یکی از دیدگاه‌های بسیار شاخص در نظریه‌های جدید بحث «توسعه به مثابه آزادی» آمارتیا سن (رویکرد آزادی‌محور توسعه) است. آمارتیا سن، تنها آسیایی برنده جایزه نوبل اقتصادی، می‌گوید که توسعه عصاره امکان‌های آزادی است و گسترش آزادی هم هدف و هم ابزار اصلی توسعه است. وی آزادی را به پنج دسته تقسیم می‌کند: آزادی‌های سیاسی، امکانات و تسهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، تضمین شفافیت و نظام حمایتی. بنابراین نظام حمایتی یا تامین اجتماعی یکی از انواع آزادی‌ها است که عصاره این نوع آزادی به همراه چهار نوع دیگر، توسعه را به ارمغان می‌آورد. اساساً برای اینکه به هدف مطلوب خود نایل شویم باید مفهوم و مراد ما از توسعه روشن باشد، چون اگر ما توسعه‌نیافتگی را معادل پایین بودن درآمد سرانه بدانیم، لاجرم استراتژی ما این خواهد بود که بتوانیم رشد اقتصادی بالاتری را داشته باشیم و اگر توسعه‌نیافتگی را در صنعتی‌نبودن خلاصه کنیم باید استراتژی توسعه صنعتی را تدوین کنیم و یا اگر توسعه‌نیافتگی را معادل ناآزادی بدانیم – آزادی به معنا و مفهوم وسیعی که مراد آمارتیا سن است – لاجرم استراتژی ما رفع ناآزادی‌ها خواهد بود. نتیجه اینکه باید تکلیف خودمان را با دانش‌شناسی و مفهوم توسعه و چشم‌انداز توسعه‌ای که داریم مشخص کنیم. جالب است که گویی ناخواسته این همگرایی نه تنها بین اندیشمندان توسعه روی مفهوم توسعه حاصل شده بلکه بین نظریه‌های توسعه و چشم‌انداز ما و اصول و ارزش‌های اخلاقی که به آن اعتقاد داریم نیز حاصل شده است. برای مثال، در دیدگاه آزادی‌محور حتی پدیده‌هایی مثل قحطی و مانند آن که انسان را دچار محرومیت اقتصادی می‌کند به نوعی ناآزادی محسوب می‌شود. تفاوت بارز این رویکرد با دیدگاه‌های رایج در تئوری‌های اقتصادی این است که تاکید عمده تئوری‌های پیشین بر رشد اقتصادی بوده و حتی اگر به تامین اجتماعی، آموزش، بهداشت و سایر مقوله‌های دیگر هم به‌تدریج تاکید شده و نقش آنها را حایز اهمیت دانستند باز با زاویه یک نگاه ابزاری بوده است، به عبارتی آنها را ابزارهایی برای ایجاد سلامت فیزیکی و جسمانی در انسان می‌دانستند تا انسان بتواند در خدمت فرآیند رشد قرار بگیرد. یعنی هدف اصلی باز هم ساماندهی توسعه با یک دیدگاه رشدگرا بوده است. اما رویکرد آزادی‌محور این پنج نوع آزادی را هم ابزار و هم هدف توسعه می‌داند. بنابراین باید مشخص باشد که چه نوع توسعه‌ای را می‌خواهیم، توسعه‌ای که بتواند این ناآزادی‌ها را برطرف کند و ما را به سمت جامعه مُدرنی هدایت کند که توام با عدالت اجتماعی، اخلاق و کرامت و منزلت انسانی باشد یعنی توسعه اساساً بسط دامنه انتخاب آدمی است. توسعه برخورداری از زندگی دلخواه بر پایه هویت فرهنگی هر جامعه است.

نکته دوم در خصوص عدالت اجتماعی است. چون دغدغه اصلی ما بحث عدالت است و شاه‌بیت فلسفه تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی نیز کمک به تحقق عدالت اجتماعی است. تعریف عدالت با توجه به دیدگاه اندیشمندان توسعه از جمله سِن بهتر است بر مبنای رویکرد «قابلیت» یا پایه اطلاعاتی قابلیت صورت بگیرد، چون عدالت زمانی تحقق می‌یابد که به تحقق رشد و تولید قابلیت در انسان توجه کنیم و تمام انسان‌ها نیز از امکاناتی که موجب رشد استعدادها و قابلیت‌ها می‌شود استفاده کرده باشند. این دیدگاه که هرگونه ناآزادی را مترادف با بی‌عدالتی بدانیم و هرگونه بی‌عدالتی را نقض آزادی به‌شمار آوریم تا حد زیادی موضوع تعارض تاریخی عدالت و آزادی را در ادبیات فلسفی و تاریخی کم‌رنگ می‌کند، زیرا همواره اذعان می‌شود که برقراری عدالت می‌تواند موجب محدود کردن آزادی برخی از افراد جامعه شود و از سوی دیگر آزادی عدالت را تهدید می‌کند، در حالی که تعریف سِن از آزادی بر پایه قابلیت تا حد زیادی تعارضات موجود را حل می‌کند، چرا که اگر هر انسانی از فرصت‌هایی که زمینه‌ساز رشد قابلیت‌های اوست محروم شود عملاً دچار ناآزادی شده و عدالت در حق او اجرا نشده است. بنابراین از این منظر هم این پیوستگی را بین رویکردهای جدید توسعه و مقوله عدالت اجتماعی می‌بینیم.

به عنوان نکته سوم باید اشاره کرد که دولت و بازار دو بازوی اصلی هر جامعه هستند که می‌توانند خلق خدمت کرده و رفاه اجتماعی را تامین کنند. شاید لازم نباشد که در خصوص ضرورت نظام بازار و جوهره اصل رقابت صحبتی به میان آید. همه دیدگاه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های جدید توسعه هم بر اصل رقابت تاکید داشته‌اند و هم نظام بازار را به عنوان نظامی که باید همه جوامع رفاه اجتماعی و توسعه خود را بر پایه قانونمندی‌های آن برقرار کنند مطرح می‌کنند. تردیدی نیست که دولت‌ها می‌بایست رفاه اجتماعی و توسعه را در قالب نظام بازار جست‌وجو کنند، اما در این امر نیز تردیدی نیست که نظام بازار نارسایی‌هایی از جمله عدم تولید کالاهای عمومی، فقر و نابرابری و لزوم دخالت دولت به علت شکست بازار را در بر دارد. دولت باید بتواند آثار جانبی‌ای را که بخش خصوصی محض به بار می‌آورد و میزان فقر و نابرابری را که از طریق سازوکار بازار حادث می‌شود جبران و مهار کند. بالطبع همین ضرورت دخالت دولت نارسایی‌هایی را هم به‌دنبال دارد که عدم‌کارایی، گسترش دولت و هزینه‌های سرسام‌آور آن، گسترش فساد و رانت‌خواری و از همه مهمتر افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تامین اجتماعی و برنامه‌های مبارزه با فقر از آن جمله است.

> **یکی از آخرین دیدگاه‌های توسعه رویکردهای نوکلاسیکی است که به اجماع واشینگتنی موسوم شده و در واقع همان سیاست‌های تعدیل اقتصادی است**

نکته دیگر موضوع تامین اجتماعی و دولت رفاه است. نارسایی‌های نظام بازار طلب می‌کند که دولت‌ها دخالت کرده و هزینه‌های ناشی از نظام بازار را جبران کنند. گسترش تولید صنعتی مدرن و لزوم خدمات رفاهی و امنیتی یکی از دلایل حرکت دولت‌ها به سمت تامین اجتماعی است. علاوه بر شرایطی که شکست بازار ایجاد می‌کرد خود دولت‌های محلی هم تحت شرایطی و بر حسب اقتضائات و وضعیت سیاسی- اجتماعی خود به نوعی به روش‌های وسیع‌تر تامین اجتماعی جهت ایجاد آرامش در جامعه دامن زده‌اند تا بتوانند منفعت‌های سیاسی خودشان را پی بگیرند. به هر حال پرهیز کردن از تبعات منفی فقر و جنگ و همین طور دادن پاسخی به سوسیالیسم از جمله فلسفه‌های توجه به دولت رفاه و تامین اجتماعی بوده است. دولت‌های رفاه شاید به عنوان یک الگوی مطلوب بودند که توانستند مجموعی از نگاه‌های سوسیالیستی و نگاه‌های مبتنی بر نظام بازار باشند و در عین حالی که نظام اقتصادی خودشان را بر مبنای نظام بازار تنظیم می‌کنند از طریق نگرش دولت رفاه نیز یک تعادل و تنظیم‌بخشی را در جامعه ایجاد کنند. اما با توجه به آنچه گفته شد یعنی چشم‌انداز توسعه کشور و رویکردهای جدیدی که به توسعه وجود دارد می‌خواهم این سئوال را مطرح کنم که آیا ما می‌خواهیم به این سمت برویم که یک دولت رفاه داشته باشیم؟ و یا اینکه یک دولت کارآمد و توسعه‌ای داشته باشیم؟ هر کدام از این دو لاجرم یک نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی می‌خواهد ولی قطعاً نوع نگاه و استراتژی‌هایشان متفاوت خواهد بود. آنتونی گیدنز می‌گوید: «دولت رفاه هر چند از یک طرح سوسیالیست سرچشمه نگرفته ولی بیش از پیش به مدار سوسیالیست دست‌کم از نوع اصلاح‌طلبانه آن سوق داده شده است. بر این اساس دولت رفاه اندیشه‌های دولت سوسیالیستی را بازتاب می‌کند، ولی حتی از این مهمتر این دولت اکنون بخشی از یک تلاش تاریخی است که تاریخ مصرف آن منقضی شده است.» وی جمله دیگری دارد که می‌گوید: «کار برای کسانی که می‌خواهند کار کنند، مجازات برای کسانی که نمی‌خواهند کار کنند و نان برای کسانی که نمی‌توانند کار کنند.» می‌دانیم که دولت‌های رفاه به این سمت رفتند که کار برای کسانی که می‌خواهند کار کنند، و نان برای کسانی که نمی‌خواهند کار کنند و نمی‌توانند کار کنند.

دولت‌های رفاه را کشورهای اروپایی به خوبی تجربه کرده‌اند و این تجربه پیش روی ماست. چه به عنوان کسانی که شهروند آن جوامع بوده‌اند و چه کسانی که تاریخ دولت رفاه را مطالعه کرده‌اند. به هر حال به نظر بسیاری از اندیشمندان حفاظت از دولت رفاه برای یک دولت متمدن ضروری است و نیازمندان و بیماران را نباید به حال خود رها کرد بلکه باید از طریق اقدامات حکومتی به آنها فرصت داد تا زندگی رضایت‌بخشی را ادامه بدهند. اما بحث این است که آیا نگاه ما به دولت‌های رفاه یک رویکرد کلاسیکی باشد یا رویکردی براساس الزامات و اقتضائات یک دولت کارآمد و توسعه‌مدار.

ما می‌بایست نظام رفاهی و چارچوب ماموریت‌های رفاهی خودمان را تنظیم کنیم و در این میان به نظر می‌رسد که باید از حرکت به سمت یک دولت رفاه به معنی کلاسیک آن پرهیز کنیم.

به عنوان نکته بعدی باید مروری بر کارکردهای تامین اجتماعی داشته باشیم. کارکردهای تامین اجتماعی به صورت خلاصه عبارتند از: برآورد کردن توزیع اولیه امکانات و فرصت‌ها در نظام بازار، فقرزدایی، مبارزه با نابرابری، حفظ و ایجاد سرمایه انسانی، حفظ و ایجاد و بازسازی سرمایه اجتماعی. اگر به این ۴ کارکرد بسنده کنیم اهمیت نظام تامین اجتماعی برایمان روشن خواهد شد. هر اقتصادی برای اینکه سامان پیدا کند نیازمند سه سرمایه انسانی، اجتماعی و فیزیکی است. تامین اجتماعی به خوبی این امکان و این قابلیت را دارد که بتواند سرمایه انسانی را تقویت کرده و زمینه‌های همگرایی اجتماعی و بازسازی سرمایه اجتماعی را نیز فراهم نماید. بنابراین از این منظر توجه ما به کارکردهای نظام تامین اجتماعی حائز اهمیت است. اما این نظام چالش‌های خاص خود را نیز دارد. کاهش درآمد و تشدید هزینه‌های رفاهی به عنوان یک نارسایی است که همگی به آن واقف هستیم. برای اینکه فقر و نابرابری از بین برود نظام‌های حمایتی تامین اجتماعی داریم که کارکرد آن باعث بهبود تغذیه، بهداشت و وضع فقرا شده و این فرآیند منجر به افزایش سلامتی، طول عمر، امید به زندگی و کاهش مرگ و میر می‌شود و در نتیجه دوره طولانی عمر پس از بازنشستگی، افزایش نسبت پیران به جوانان و افزایش نسبت بیکاران به کارکنان را خواهیم داشت. این فرآیند نیز باعث افزایش رشد انتظارات، گسترش انواع خدمات، گسترش پوشش جغرافیایی و گروه‌های اجتماعی اقتصادی می‌شود و نهایتاً افزایش هزینه‌های درمانی، افزایش دوره برخورداری از مزایای تامین اجتماعی، کاهش درآمد و افزایش هزینه‌ها را به دنبال خواهد داشت. نتیجتاً در اینجا می‌توان از کاهش تلاش و انگیزه‌های فردی، تشویق بیکارگی، افزایش سطح انتظارات، ناکارایی دستگاه عریض و طویل در آن حوزه‌ها، عدم توفیق مقبول در کاهش فقر و نابرابری و اعتراض مالیات‌دهندگان و پرداخت‌کنندگان حق بیمه به عنوان نارسایی‌ها و چالش‌های نظام تامین اجتماعی نام برد، که اینها به نوعی به بحث دولت رفاه برمی‌گردد. در اینجا اگر مثال‌هایی هم از افزایش هزینه‌های تامین اجتماعی بزنیم، ما با یک کاهش ۱۸ درصدی افراد آماده کار تا سال ۲۰۵۰ در اروپا مواجه هستیم و اگر این روند ادامه پیدا کند پوشش هزینه‌های تامین اجتماعی غالب GDP آنها را می‌بلعد. در دو دهه گذشته کاهش نسبت منابع و مصارف سازمان تامین اجتماعی در ایران از ۲/۱۱ به ۱/۴۷ و کاهش نسبت پرداخت‌کنندگان حق بیمه به مستمری‌بگیران از ۱۷ به ۶/۷ درصد را شاهد بوده‌ایم.

بنابراین سئوال این است که چه دلایلی باعث بحران در نظام‌های حمایتی می‌شود؟ تغییر در ساختارهای جمعیتی، افزایش نسبت تعداد پیران به جوانان، کاهش زاد و ولد، کاهش افراد در سن کار، افزایش نسبت مستمری‌بگیران به پرداخت‌کنندگان حق بیمه، گسترش نظام حمایتی و پوشش‌های وسیع درمانی، بلاهای طبیعی، ملاحظات اقتصادی، مقررات ناقص و بازنشستگی زودرس و رقبای انتخاباتی و افزایش سطح انتظارات. آنچه که به عنوان راهکارهای مقابله با چالش‌های نظام حمایتی رایج است عبارتند از: افزایش سهم حق بیمه، افزایش سن بازنشستگی دوره کار، محدودیت‌های پوشش‌های تامین اجتماعی، خصوصی‌سازی و کاهش نقش سازمان‌های دولتی به خصوص در بخش درمان.

بنابراین ملاحظه می‌شود اساساً دیدگاه‌های گذشته توسعه دیدگاه‌های اقتصادمحور بودند و تمامی آنها تامین اجتماعی را به‌عنوان ابزار کار خود و به‌عنوان تعدیل‌کننده نظام بازار می‌خواستند، نگاه‌ها نگاه‌های منفعل بوده و اقدامات انجام گرفته نیز منفعلانه بوده است، به این معنی که به نظام تامین اجتماعی در حد تقلیل‌دهنده نارسایی‌های بازار نگاه شده است و مدیریت بحران هم معطوف به خطر و رسیدگی پس از وقوع بوده است، به‌عبارتی ما می‌گذاریم که اتفاقات رخ بدهند و بعد آن شرایط را رسیدگی و مدیریت کرده و هزینه‌هایی را که ناشی از مسائل و نارسایی‌های نظام بازار است تامین می‌کنیم. اما اگر دیدگاه ما براساس نگاه‌های جدید به توسعه تغییر کند تامین اجتماعی نقش و وزن بسیاری پیدا خواهد کرد، چراکه امروزه نقش انسان که در دهه ۶۰ به‌عنوان یکی از عوامل دست چندم نیروی انسانی به حساب می‌آمد ارتقا پیدا کرده، به گونه‌ای که نیروی انسانی یا رویکرد توسعه انسانی در جایگاه یک تئوری توسعه نشسته است. به عبارتی در گذر تاریخ نگاه به انسان ابتدا به عنوان عامل دست چندم تولید، سپس عامل دست اول تولید بوده و بعد از آن نیز در دهه ۶۰ بحث سرمایه انسانی و در دهه ۹۰ بحث شاخص توسعه انسانی و رویکرد آزادی‌محور توسعه مطرح شد که انسان و منزلت انسانی را در جایگاه هدف توسعه قرار می‌دهد. بنابراین اگر این دیدگاه اخیر را بپذیریم و تامین اجتماعی را به عنوان یکی از بازوهای پنج‌گانه آزادی‌های ابزاری در نظر بگیریم نگاه ما به تامین اجتماعی می‌بایست تغییر کند و بپذیریم که نگاهی فعال نسبت به تامین اجتماعی داشته باشیم. برای عملی کردن توسعه به مفهوم نوین و رویکردهای جدید آن و برای رسیدن به چشم‌انداز توسعه کشور لازم است جایگاه تامین اجتماعی را به لحاظ نهادی ارتقا داده و به وزن و اهمیت آن در گذار توسعه‌ای توجه جدیدی داشته باشیم.

خبر کوتاه

تکمیل ۱۳ فرودگاه نیمه‌تمام کشور با هزینه ۱۴۰ میلیارد تومانی

فارس: برای تکمیل ۱۳ فرودگاه نیمه‌تمام در سراسر کشور حداقل به ۱۴۰ میلیارد تومان سرمایه نیاز است. تاکنون حدود ۳۰ میلیارد تومان برای ۱۳ فرودگاه نیمه‌تمام کشور هزینه شده است و به طور متوسط ۲۰ درصد از عملیات اجرایی این فرودگاه به انجام رسیده است. برخی از این فرودگاه‌ها به دلیل عدم امکان‌سنجی و مکان‌سنجی مناسب و برخی به دلیل عدم تامین بودجه مورد نیاز بلاتکلیف مانده است. در میان این پروژه‌ها فرودگاه شاهرود ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی، فرودگاه داراب ۵ درصد، فسا ۱۰ درصد، سمنان ۴۰ درصد، ابرقو ۱۲ درصد و کلاله ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند. فرودگاه ماکو با تنها ۳ درصد پیشرفت فیزیکی کمترین و فرودگاه‌های سراوان و گناباد هر کدام با ۵۰ درصد بیشترین پیشرفت فیزیکی را داشته‌اند. علاوه بر موارد فوق فرودگاه سرخس ۲۰ درصد، فرودگاه سهند ۲۰ درصد، پارس‌آباد مغان ۲۰ درصد و جهرم ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. بعضی از این فرودگاه‌ها تنها به دلیل برخی فشارها و بدون وجود طرح‌های توجیهی به مرحله اجرا گذاشته شده است. در عین حال به غیر از ۱۳ فرودگاه فوق ۱۱ فرودگاه در کشور وجود دارد که نمایندگان مجلس پیگیر احداث آنها هستند. کارشناسان معتقدند همجواری برخی از این شهرها با یکدیگر از جمله مواردی است که هم احداث فرودگاه جدید را غیراقتصادی و هم غیرایمن می‌نماید. این در حالی است که اعتبار اولیه مورد نیاز برای احداث این ۱۱ فرودگاه که به دلیل فشار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در لیست اجرا قرار گرفته‌اند به حداقل ۱۶۰ میلیارد تومان بودجه نیاز است که رقمی بیش از سرمایه مورد نیاز برای تکمیل فرودگاه‌های نیمه‌تمام کشور است. فرودگاه‌های ملایر، سقز، اهر، دزفول، بهبهان و مسجد سلیمان به همراه فرودگاه‌های فردوس، زرند، بافق، قزوین و گناوه از جمله پروژه‌هایی است که به دلیل پیگیری نمایندگان مجلس در میان پروژه‌های وزارت راه و ترابری جای گرفته‌اند. این در شرایطی است که در حال حاضر بنا به اظهار مخبر کمیسیون عمران مجلس، بیش از ۷۰ درصد فرودگاه‌های موجود در کشور نیز اقتصادی نیستند. ولی آذروش در این مورد گفته است: بسیاری از فرودگاه‌های کشور در حال حاضر از نظر درآمد و هزینه نگهداری فرودگاه دچار مشکل هستند. سرپرست سازمان هواپیمایی کشوری نیز در این خصوص خاطرنشان کرد: در حال حاضر تنها سه فرودگاه کشور را می‌توان فرودگاه اقتصادی نامید.

تحلیل رویترز از روند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران

خبرگزاری رویترز در گزارشی اعلام کرد: دولت ایران در دومین تلاش خود برای خصوصی‌سازی شرکت‌های سنگین دولتی در سال مالی جاری، بیش از ۱/۱ میلیارد دلار از دارایی‌های صنعتی دولتی را برای فروش در ماه مارس به مناقصه گذارد. رویترز در ادامه گزارش خود به نقل از مهدی عقدایی – معاون رئیس سازمان خصوصی‌سازی ایران – نوشت: ارزش کل دارایی‌های پیشنهاد شده ۹۸۶۰ میلیارد ریال (۱/۱ میلیارد دلار) است. این سهام متعلق به ۵۱ شرکت دولتی است که اکثر آنها در صنایع سنگین از جمله فولاد، آلومینیوم و کشتی‌سازی فعال هستند. حدود ۲/۵ میلیارد دلار از مبلغ دریافتی برای تقویت بودجه در سال مالی منتهی به ۲۰ مارس هزینه خواهد شد. در همین حال برخی مقامات دولت ایران زمان این اقدام را نامناسب دانسته و اعلام کرده‌اند که این مناقصه در کشاکش پرونده هسته‌ای ایران انجام شده است و هنوز مشخص نیست که این اقدام با چه استقبالی از سوی بازار مواجه خواهد شد. در ادامه این گزارش آمده است: سازمان خصوصی‌سازی ایران اعلام کرده است که از مارس سال ۲۰۰۴ حدود ۷۱۱ میلیون دلار دارایی دولتی به فروش رفته است. معاون رئیس سازمان خصوصی‌سازی در این زمینه به رویترز گفته است: حتی اگر تمام دارایی‌های در نظر گرفته شده به فروش رود، باز نخواهیم توانست بودجه پیش‌بینی شده را پاسخگو باشیم. شرکت ماشین‌آلات اراک و شرکت آلومینیوم‌سازی «المهدی» - با ظرفیت تولید ۱۱۰ هزار تن آلومینیوم در سال - جزء این شرکت‌ها هستند. این شبکه خبری در ادامه ادعا کرد: منابع صنعتی اعلام کرده‌اند که گروه «بالی» انگلیس برای خرید شرکت المهدی ابراز علاقه کرده است، اما سازمان خصوصی‌سازی ایران مبلغ آن را بیش از قیمت حقیقی‌اش تا ۱۴۳ میلیون دلار بالا برده است.

صنعت نرم‌افزار نیازمند نگاه ملی

ایسنا: معاون مرکز صنایع نوین وزارت صنایع و معادن گفت: هدف ما از حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی و بازارهای خارجی نشان دادن توانمندی‌های بالای شرکت‌های داخلی در تولید نرم‌افزار و فروش است. مهندس «محمد ثروتی» درباره صنعت نرم‌افزار و صادرات آن، اظهار داشت: اعتقاد مرکز صنایع نوین وزارت صنایع و معادن بر این است که باید به نرم‌افزار به عنوان صنعت نگاه کرد و اگر این رویکرد را داشته باشیم در این حوزه با رشد چشمگیری مواجه می‌شویم. وی، افزود: ایران در این حوزه از توانمندی‌های بسیار خوب و قابل رشدی برخوردار است چراکه تعداد بسیاری شرکت نرم‌افزاری در این عرصه فعال هستند که طبق آمارهای موجود نزدیک به ۵۰۰ شرکت نرم‌افزاری در کشور فعالیت دارند که در حدود ۵۰۰ میلیون دلار بازار دارند و با نرخ ۴۰ درصد رشد می‌کنند.